



سال چهارم، شماره ۴، پیاپی ۱۳ زمستان ۱۴۰۰

www.qpjjournal.ir

ISSN : 2783-4166

تقابل‌های دوگانه در اشعار دفاع مقدس

دکتر زیبا اسماعیلی^۱، معصومه خجسته^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۶

(از ص ۱۱۴ تا ص ۱۳۲)

نوع مقاله: پژوهشی



[20.1001.1.27834166.1400.4.4.3.6](https://doi.org/10.1001.1.27834166.1400.4.4.3.6)

چکیده

تقابل‌های دوگانه از جمله عوامل زبانی است که با تأثیرگذاری در سطح نحوی و فکری یک اثر، ساختار آن را هنری‌تر می‌سازد و در بررسی‌های معناشناختی و ساختاری از عناصر بنیادین دستیابی به ساختار، جهان فکر و اندیشه آثار ادبی است. بدین منظور در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و با هدف شناخت هر چه بهتر دنیای شعری شاعران دفاع مقدس انجام پذیرفته است، تلاش شده تا اشعار این دوره با رویکرد توصیفی - تحلیلی، براساس تقابل‌های دوگانه بررسی گردد. بدین منظور ۱۳۴۰ جفت واژه متقابل، همراه با بسامد آن‌ها در شعر سه تن از شاعران برجسته این دوره (قیصرامین پور، عبدالجبار کاکایی و علیرضا قزوه) استخراج و بر اساس انواع تقابل‌ها طبقه‌بندی گردید. بررسی و تحلیل داده‌ها نشان داد که انواع تقابل‌ها (مدرج، مکمل، دوسویه، جهتی، متقاطع، خطی، واژگانی و ضمنی) در شعر این دوره یافت می‌شود و تقابل‌های مکمل و ضمنی بیشترین بسامد را دارند. نتیجه دیگری که در بررسی این اشعار حاصل شد این است که در سطح محتوایی نیز مفاهیم و اندیشه‌هایی در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند و می‌توان گفت کاربرد تقابل‌ها به فرایند معناسازی و برجسته‌سازی مفاهیم مربوط به جنگ، دفاع مقدس و مسایل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی مدنظر شاعران کمک شایانی کرده و توانسته‌است دغدغه‌های ذهنی شاعران را از طریق برجسته‌سازی منتقل کند. نکته قابل توجه دیگر در کاربرد تقابل‌ها این است که در ساختار صورخیال اشعار نیز تأثیر بسزایی دارند و پایه بعضی صنایع ادبی مانند تلمیح، تشبیه، جناس، استعاره و غیره قرار گرفته‌اند.

واژه‌های کلیدی: ساختارگرایی، تقابل دوگانه، شعر دفاع مقدس

^۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

^۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) //



۱. مقدمه

ساختارگرایی مکتبی است که در قرن بیستم میلادی پدید آمد. شیوه‌ای که برای اندیشیدن و کاویدن امور در رشته‌های مختلف فلسفه، نظریه اجتماعی، زبان‌شناسی، نقد ادبی، روانکاوی، مردم‌شناسی و ... اثرگذار شد. تقابل‌های دوگانه از مهم‌ترین مفاهیم اساسی در زبان‌شناسی و مکتب ساختارگرایی محسوب می‌شود. اصطلاح تقابل دوگانه همان طور که از اسمش پیدا است به دو چیز متضاد و مقابل هم اشاره دارد که فقط مختص ادبیات نیست و می‌توان آن را حتی در مسایل مربوط به پدیده‌های طبیعی، اجتماعی و یا در مسائل مربوط به دین هم مشاهده کرد.

ریشه تقابل‌های دوگانه را باید در اساطیر و باورهای فرهنگی اقوام و ملل مختلف جستجو کرد. توجه به تقابل‌های دوگانه پیشینه عمیقی دارد و شاید یکی از نخستین راهکارهای بشر ابتدایی برای شناخت امور پیرامونش بوده‌است. خلق تقابل‌ها از عملکردهای بنیادین ذهن آدمی است. (ن.ک: برتنس، ۱۳۸۷: ۷۷) «طبق این اصل، تفکر بشر بر بنیاد تناقض و تباین استوار است. آنان برای تفسیر هر پدیده به اصل تضاد روی می‌آورند و با آن مأنوس هستند: خوب و بد، زیبا و زشت، سفید و سیاه و ...» (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۳۵).

همانطور که ما در زندگی و روابط اجتماعی، کاربرد تقابل‌ها را می‌بینیم، در حوزه ادبیات و هنر نیز حضور تقابل چشمگیر است. «ساختارگرایان تقابل‌های دوگانه را ابزاری برای دستیابی به معنا در متون ادبی می‌دانند. و بر همین اساس، منتقدین را تشویق می‌کنند تا در بطن آثار، بیشتر در جستجوی تضادها باشند. وجود تقابل‌ها در آثار شاعران و نویسندگان باعث می‌شود که خواننده به لذت هنری خاصی دست یابد و علاوه بر این «طبق نظر ساخت‌گرایان بررسی تقابل‌ها در شعر شاعران، به خصوص اینکه شاعر به چه شکل از تقابل‌ها بهره‌گرفته است، ما را به ویژگی‌های سبکی او رهنمون می‌سازد» (روحانی، ۱۳۹۴: ۲۰۶).

تقابل‌های دوگانه با تأثیرگذاری در سطح نحوی و فکری یک اثر، ساختار آن را هنری‌تر می‌سازد و با توجه به نقش مهمی که در زیبایی و انسجام ساختاری و محتوایی یک اثر دارد، در بررسی معناشناختی و ساختاری آثار ادبی از عناصر بنیادین دستیابی به ساختار و دنیای فکر و اندیشه شاعران و نویسندگان است.

۱-۱. بیان مسأله

یافتن تقابل‌های دوگانه در متون ادبی می‌تواند ابزاری مناسب برای رسیدن به معنا باشد چرا که کاربرد این تقابل‌ها، خود یکی از شگردهای پرورش معنی است که می‌تواند بر غنای کلام بیفزاید و حتی تحلیل و بررسی یک اثر ادبی بر مبنای مبحث تقابل‌های دوگانه می‌تواند ما را به شناخت متفاوت و تازه‌ای از آن اثر رهنمون سازد.

هدف ساخت‌گرایان از مطرح‌کردن تقابل‌ها به دست‌آوردن ابزاری برای فهم متون و رسیدن به معنا است و از آن جا که تحلیل یک متن بر اساس تقابل‌های معنایی ما را با ویژگی‌های زبانی و بلاغی یک اثر بیشتر آشنا می‌کند،



برای شناخت بهتر دنیای شعری شاعران دفاع مقدّس، شعر این دوره با این روش مورد بررسی قرار می‌گیرد تا درک بهتری از مفاهیم شعری این دوره حاصل شود. «شعر دفاع مقدّس پاره‌ای از پیکره ادبی جامعه ماست و همچنان که قطعات گذشته ادب فارسی، هر کدام تحلیل و بررسی جداگانه و دقیق را می‌طلبد، این قطعه نیز، نیازمند شناختن و شناساندن دقیق و عمیق است» (سنگری، ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۰).

براین اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است تا اشعار دفاع مقدّس از نظر کاربرد انواع تقابل‌های دوگانه مورد بررسی قرار گیرد. و مشخص شود که کدام نوع تقابل بیشترین بسامد را دارد.

۲-۱. سوالات تحقیق

این پژوهش با بررسی اشعار منتخب از سه شاعر برجسته دفاع مقدّس در پی پاسخگویی به این سوالات است:

- ۱- تقابل‌های دوگانه موجود در بافت زبانی اشعار دفاع مقدّس کدام است؟
- ۲- بسامد کدام نوع تقابل در اشعار این دوره بیشتر است؟
- ۳- آیا نگرش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شاعران دفاع مقدّس در شکل‌گیری تقابل‌های دوگانه تأثیر داشته است؟

پاسخ به این سوالات می‌تواند در جهت نقد ساختارگرایانه شعر این دوره و درک بهتر مفاهیم آن کارآمد باشد.

۳-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف کلی این تحقیق بررسی انواع تقابل‌های دوگانه در شعر دفاع مقدّس است که می‌تواند به کشف ظرافت‌های زبانی شعر این دوره بینجامد. بررسی انواع تقابل‌های دوگانه، علاوه بر شناخت بافت زبانی شعر این شاعران، به شناخت نگرش اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنها نیز کمک شایانی می‌کند و از آنجا که بحث تقابل دوگانه یکی از شیوه‌های جدید نقد ادبی است و تحقیقات اندکی در این زمینه در شعر معاصر انجام شده است، به نظر می‌رسد انجام چنین پژوهش‌هایی که بتواند ساختار زبانی شعر این دوره را شناسایی و معرفی کند، لازم و کارآمد است.

۴-۱. روش تحقیق

این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای انجام پژوهش اشعار منتخب سه تن از شاعران برجسته دفاع مقدّس (قیصرامین‌پور، عبدالجبارکاکایی و علیرضا قرزوه) به عنوان شاعران هدف انتخاب شد و پس از مشخص کردن تقابل‌ها، انواع و کارکردهای آنها مورد بررسی قرار گرفت.

۵-۱. پیشینه تحقیق

در دهه‌های اخیر پژوهش‌های متعددی به بررسی آثار شاعران و نویسندگان بر مبنای تقابل‌های دوگانه پرداخته‌اند. از میان پژوهش‌های انجام شده، تنها مقاله «تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی شاعران دفاع مقدّس»، خلیل بیگ



زاده و فرنگیس شاهرخی (۱۳۹۷)، بخشی از اشعار این دوره را با توجه به تقابل‌ها بررسی کرده‌است و با وجود تحقیقات متعددی که در زمینه تقابل دوگانه در آثار ادبی انجام شده‌است، تحقیقی که شعر دفاع مقدّس را به طور کلی از منظر تقابل‌ها بررسی کرده باشد، یافت نشد.

مقاله «تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی شاعران دفاع مقدّس»، نشان می‌دهد که یکی از عناصر ساخت‌آفرین که در سطح واژگانی سروده‌های رضوی تأثیر نهاده، تقابل‌های دوگانه است. تقابل‌ها بیشتر به شکل عرضی و در ساختار یک بیت و حتی در ساختار طولی یک قالب شعری قابل مشاهده است. در سطح محتوایی این شعرها هم مفاهیم و اندیشه‌هایی در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند که اغلب همسو با مؤلفه‌های ادبیات پایداری هستند؛ اما این تحقیق نیز تنها سروده‌های رضوی شاعران دفاع مقدّس را با محوریت سیمای امام رضا (ع) که مبتنی بر برخی از جلوه‌های پایداری است، بررسی کرده است ولی در پژوهش حاضر تلاش شده است موضوع تقابل‌ها به صورت گسترده‌تر و کلی‌تر در اشعار این دوره مورد بررسی قرار گیرد.

۲. بحث

۲-۱. کاربرد تقابل‌های دوگانه در شعر دفاع مقدّس

شعر دفاع مقدّس دربردارنده مفاهیم ارزشمندی همچون ستایش آزادگی‌ها، شهادت‌طلبی‌ها، فداکاری‌ها و ترویج صفات انسانی است و حافظ حماسه‌های جاوید رزمندگان اسلام.

شاعران این دوره بسیاری از دغدغه‌های خود را با کمک تقابل‌ها به تصویر می‌کشند و «برای وضوح مطلب، این امور متقابل را به کار می‌گیرند تا بتوانند هنجارها و ناهنجارها را به مخاطب گوشزد و از این راه وی را به سمت و سوی درستی هدایت کنند» (چهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۵).

غرق شدن در روزمرگی که نتیجه غفلت و فراموشی ارزش‌ها است از مواردی است که در شعر این دوران مورد انتقاد قرار گرفته و برای بیان آن از تقابل‌های موجود در بافت زبانی استفاده شده است:

این روزها مردم را با هوشیار و بیدار خواب می‌کنند! خنده و چشم‌بندی / شوهای تالار وحدت

(قزوه، ۱۳۹۸: ۶۳)

دلیل دیگر کاربرد تقابل‌ها در شعر دفاع مقدّس به دوران زندگی و محیط اجتماعی شاعران برمی‌گردد؛ «شاعر انقلاب دغدغه‌های خود را نه در انزوا و تنهایی که در میان مردم و پدیده‌های اجتماعی جستجو می‌کند و گزارش ذهنی خود را با تصرفات شاعرانه که از دایره فکری او منتج می‌شود به شعر تبدیل می‌کند.» (زارعی، ۱۳۹۲: ۴۷) شاعران انقلاب همیشه با دیدن فقر و محرومیت و شکاف طبقاتی و ظلم و ستمی که به طبقه محروم جامعه می‌شود زبان به اعتراض می‌گشایند و از کسانی که با ربا و سوءاستفاده از منصب و مقام خود بی‌عدالتی را در جامعه گسترش می‌دهند، انتقاد می‌کنند:



بیا به آفتابی نهج البلاغه برگردیم / چرا نهج البلاغه را جدی نمی‌گیریم؟ / مولا ویلا نداشت / معاویه کاخ سبز داشت / پیامبر به شکمش سنگ می‌بست / امام سبب زمینی می‌خورد.

(قزوه: ۱۳۹۳ پ: ۵۳)

بی‌عدالتی در جامعه باعث می‌شود که برخی از افراد به دلیل زیادی ثروت هر روز کاخی بر روی کاخ دیگر بنا می‌کنند و برخی دیگر از فقر چهره‌هایشان سرخ از خجالت می‌شود:

یک سوی کاخ زرددلان سبز می‌شود / یک سوی چهره‌ها همه سرخ از خجالت است

(همان، ۱۳۹۸: ۲۰)

عدالت‌خواهی از خواسته‌های مهم جامعه و حتی عاملی است برای انتظار است:

روزی که مشق آب عمومی است / دریا و آفتاب / در انحصار چشم کسی نیست.

(امین پور، ۱۳۹۸: ۲۴۰)

سوءاستفاده‌های اقتصادی بعضی از افراد در تنگنای جنگ و ظاهرسازی ایشان نیز از مسایل مورد انتقاد شاعران این دوره است:

سیاست‌بازان لرد مستضعف / جیب‌برهای با جواز / جیب‌برهای بی‌جواز / غول‌های پیچیده در مذهب / مقاطعه‌کاران خیابان زعفرانیه / شرکت صادرات فرش / خجالت هم چیز نایابی است (قزوه، ۱۳۹۳ پ: ۵۱)

در این شعر با تقابل واژگانی «باجواز» و «بی‌جواز» از کسانی که باعث مشکلات اقتصادی هستند و با فعالیت‌های اقتصادی به ظاهر قانونی خود باعث خالی شدن جیب مردم می‌شوند، انتقاد می‌شود.

یکی از مسایل برجسته و مورد توجه شعر انقلاب، تقابل «زندگی شرقی» با «زندگی غربی» است. در سروده زیر شاعر در غیاب واژه دوم تقابل، با برشمردن ویژگی‌های زندگی شرقی آن را در تقابل با زندگی مدرنیسم امروزی، ریشه دار و سرشار از مهربانی می‌داند:

سلام زندگی شرقی / که دور از آفت تکراری / که ریشه داری و پا بر جا / که مهربان و سبکباری

(کاکایی، ۱۳۹۶: ۳۶)

علاوه بر دغدغه‌های اجتماعی، شروع جنگ تحمیلی و جهت‌گیری‌های مختلف درباره جنگ و انقلاب نیز تقابل‌هایی را در ذهن و اندیشه شاعران شکل داد که در اشعارشان وارد شد:

شنیدن خبر مرگ باغ دشوار است / زباغ لاله خبرهای داغ بسیار است / در این کرانه که باران داغ می‌بارد / به چشم ما

(همان: ۳۴۲)

گل بی‌داغ کمتر از خار است

شاعران با توصیف حماسی جبهه‌های جنگ و تصویرآفرینی‌های زیبا، علاوه بر ایجاد شور و شوق حماسی برای

حضور در جبهه‌ها، در هر فرصتی به ایثار و از جان‌گذشتگی رزمندگان و شهدا، می‌پردازند و آنها را می‌ستایند:

خود را چو ز نسل نور می‌نامیدند / رفتند و به کوی دوست آرامیدند / سیراب شدند زانکه در اوج عطش /



آن حادثه را به شوق آشامیدند

(امین پور، ۱۳۹۸: ۴۳۷)

این رباعی یکی از مرثیه‌های شاعر خطاب به شهیدان است که با استفاده از تقابل «سیراب / عطش» در کنار تصویر «آشامیدن حادثه» به زیبایی، مفهوم شهادت را به تصویر کشیده است. روحیه شهادت طلبی در فرهنگ و اعتقادات ایرانیان همیشه بوده و شاعران با پیروی از این فرهنگ عمیق، شهادت را بهترین و نزدیک‌ترین راه رسیدن به وصال حق دانسته‌اند. شاعر که در گذشته از مرگ گریزان و «لرزان» بوده، شهادت را «مشتاقانه» انتظار می‌کشد که نشان نگاه جدید شاعر و ارزشمندی دفاع از وطن است: عمری به اسارت تو بودم ای مرگ! / لرزان ز اشارت تو بودم ای مرگ! / امروز خوش آمدی، صفا آوردی / مشتاق زیارت تو بودم ای مرگ! (قزوه، ۱۳۹۸: ۳۵)

مردم در دوران جنگ با وجود همه سختی‌ها و رنج‌ها، صبور و مقاوم ایستادگی کردند و قد خم نکردند: اما / این شانه‌های گردگرفته / چه ساده و صبور / وقت وقوع فاجعه می‌لرزند / اینان / هرچند / بشکسته زانوان و کمرهاشان / استاده‌اند فاتح و نستوه / بی‌هیچ خان و مان

(امین پور، ۱۳۹۸: ۳۸۸)

وقت قیام پایداری، مانند نخلی سرفرازیم گاه رکوع عشق آما، چون بید مجنون سر به زیریم

(قزوه، ۱۳۹۸: ۱۴)

با فروکش کردن آتش جنگ و توجه مردم به وضعیت درونی اجتماع و ورود به دوره سازندگی و تغییراتی که در جامعه شکل گرفت، کم‌کم بسیاری از ارزش‌های معنوی دوره‌های قبل به فراموشی سپرده شد و انبوهی از مشکلات، ناهنجاری‌ها و کمبودها رخ نشان داد. در این زمان، شاعران متعهد که خود در صحنه‌های انقلاب و جنگ حضور داشتند با مقایسه دوره پایان جنگ و دوران پیش از آن، به فعالیت‌های عده‌ای فرصت طلب پی برده، و به بی‌تفاوتی عده‌ای از مردم نسبت به مسائل ارزشی چون جنگ، شهادت‌طلبی، ایثار و کمرنگ شدن ارزش‌های معنوی دوره قبل واکنش نشان دادند و این فقدان شرایط معنوی دوره قبل نوعی حسرت و اندوه را به دنبال داشت که در شعر این دوره خود را نشان می‌دهد:

باغ یکپارچه خنجر شده است / قصه زخم مکرر شده است / بس که ابری ست هوای پرواز / آسمان، بغض کیوتر شده است / چند روزی است که از غربت باغ / علف هرزه صنوبر شده است / روزگاری است که از وهم نقاب / دل آیینه مکتدر شده است / لاله در گوش گل نرگس گفت: / پای چشم شهدا تر شده است. (کاکایی، ۱۳۸۶: ۷۴)

در این غزل، عبدالجبار کاکایی با بیانی استعاری و زیبا، دور شدن جامعه را از صمیمیت و معنویت دوران قبل، به تصویر می‌کشد و برای القای مفهومی که در ذهن دارد از واژه‌های متقابل کمک می‌گیرد: باغ / خنجر، علف هرزه / صنوبر، نقاب / آیینه. شاعر این فضا را در تقابل سال‌های اول انقلاب و دوران جنگ تحمیلی می‌داند.

قیصر امین پور نیز در شعر «چرا چنین» (۱۳۹۸: ۳۱۲) اعتراض خود را به وضع موجود نشان می‌دهد وضعیتی



که با گذشته تفاوت زیادی دارد و او را دچار غم و اندوه کرده‌است.

در این شعر می‌توان غم شاعر را از تقابل بین وضعیت موجود با گذشته به خوبی مشاهده کرد: بلند پروازی‌های گذشته (جزر و مد یال آبی‌ام) در مقابل بی‌حرکتی و نبود اهتزاز در بال‌هایش، غیرت روشن و زلال گذشته و نبود آن در جامعه امروز. در بیت‌های بعدی این تقابل آشکارتر می‌شود: «داغ تازه» در تقابل «داغ‌های دیرسال شاعر» واژه‌هایی هستند که شاعر برای به تصویر کشیدن تفاوت فضای گذشته و امروز به کار می‌برد؛ «کاغذی بودن داغ»‌های امروزی نیز تقابل دیگری است که در غیاب واژه دوم تقابل به خوبی از عهده به تصویر کشیدن واقعیت موجود برآمده و نشان می‌دهد که در فضای امروز هیچ چیز معنای حقیقی خود را ندارد و حتی دغدغه‌های آن پوچ و بی‌ارزش است. او داغ گذشته خود را ارزشمندتر می‌داند.

علیرضا قزوه نیز در مثنوی «شرمساری» (۱۳۹۸: ۳۹) با نشان دادن مظلومیت شهیدان به توصیف شهیدان و مقامشان می‌پردازد و غم دوری یاران سفر کرده و کمرنگ شدن ارزشهای دفاع مقدس روح شاعر را آزار می‌دهد شاعر در بیت «همانان که از وادی دیگرند / همانان که گمنام و نام‌آورند» با آوردن دو صفت «گمنام» و «نام‌آور» که یکدیگر را نقض می‌کند صراحتاً از فراموشی شهدا سخن می‌گوید و در ادامه برای اینکه فضای معنوی دوران جنگ را به تصویر بکشد با کمک دو واژه متقابل «سرانجام / آغاز» سرشاربودن این فضا را از یاد خدا به تصویر می‌کشد، فضایی که بین دو بعد آغاز و انتهای آن تنها معنویت حاکم بود: «سرانجام و آغاز یعنی خدا».

در ادامه به سراغ موضوعات اجتماعی می‌رود و اعتراض خود را با مخاطب قراردادن «دین‌فروشان دنیا پرست» که در تقابل با «پیر هشیار درد آشنا» و آرمان‌های او قرار دارند، آغاز می‌کند و با کمک تقابل‌های «تشنه / آب»، «داغ دین داشتن / دشنه بر پشت دین زدن»، «خموشی / زخم‌زبان زدن» آنها را به خاطر دنیا طلبی، فراموشی و غفلتشان مؤاخذه می‌کند.

به طور کلی با دقت در مضامین این دوره درمی‌یابیم که بخشی از حضور تقابل‌های موجود در شعر شاعران این دوره، بازتابی از مسایل اجتماعی و سیاسی و انتقاد از ریاکاری‌ها، غفلت‌ها، نبود عدالت، تغییر ارزش‌ها می‌باشد و بخشی دیگر نیز به مفاهیم مذهبی و عرفانی و مسایل مربوط به جنگ و دفاع مقدس برمی‌گردد.

۲-۲. انواع تقابل‌های دوگانه در شعر دفاع مقدس

کاربرد تقابل‌ها یکی از شگردهای پرورش معنی است و تحلیل و بررسی یک اثر ادبی بر مبنای مبحث تقابل‌های دوگانه، ما را به شناخت متفاوت و تازه‌ای از آن اثر رهنمون می‌سازد.



کاربرد تقابل‌ها علاوه بر اینکه در شعر شاعران موجب لذت ادبی می‌شود، توجه به چگونگی بهره گرفتن شاعران از این تقابل‌ها و پی بردن به وجوه شباهت و تفاوت آنها می‌تواند زمینه ساز شناخت سبک شعری شاعر باشد و در دریافت معنی نیز کمک کننده است.

تقابل‌ها را می‌توان از وجوه مختلف دسته‌بندی کرد پالمر در کتاب «نگاهی تازه به معنی‌شناسی» و کورش صفوی نیز در مقاله «نگاهی به تقابل معنایی» گونه‌های مختلف تقابل معنایی را با عناوین مدرج، مکمل، دوسویه، خطی، متقاطع، واژگانی، ضمنی و جهتی بررسی کرده‌اند. هرچند در تقسیم‌بندی تقابل‌ها حد و مرز کاملاً دقیق و مشخصی وجود ندارد ولی برای بررسی بهتر تقابل‌ها در اشعار شاعران می‌توان آن‌ها را براساس این نوع از تقابل‌ها بررسی و تحلیل کرد.

۲-۲-۱. تقابل مدرج

تقابل‌های مدرج گونه‌ای از انواع تقابل‌ها هستند که از نظر کیفیت قابل درجه‌بندی هستند و تماماً در مقوله دستوری صفت قرار می‌گیرند؛ مانند صورت‌هایی نظیر پهن/باریک، پیر / جوان، بزرگ / کوچک و غیره (ن.ک: پالمر، ۱۳۶۶: ۱۳۷). یکی از ملاک‌های صوری این متقابل‌ها، این است که می‌توان آن‌ها را به صورت صفت تفضیلی به کار برد؛ مانند: «پیرتر»، «پهن‌تر».

قانع به نگاهیم ز محرومی دیدار / از دولت تو بس که زیاد است کم ما
(کاکایی، ۱۳۹۶: ۵۱)

عاشقی، فهم «محمدعلی بهمنی» است / برمن آسان نشد این سخت معما که توی
(قزوه: ۱۳۹۱: ۵۵)

دل در خیال رفتن و من فکر ماندن / او پخته راه است و من خام رسیدن
(امین پور، ۱۳۹۸: ۷۲)

نمونه‌های دیگر: کوچک / بزرگ (امین پور: ۲۶)، خوب / بد (همان: ۳۸)، دارا تر / درویش تر گمنام/ نام‌آور (قزوه، ۱۳۹۸: ۱۲)، جوان / پیر (قزوه، ۱۳۹۱: ۶۸)، بزرگ / کوچک (قزوه، ۱۳۹۳: ۱۷۹)، خوب / بد (همان: ۱۸۵).

۲-۲-۲. تقابل مکمل

تقابل مکمل یکی از انواع تقابل‌های معنایی است که در آن امکان وجود یکی از طرفین تقابل وجود دارد و نفی یکی از طرفین متضمن اثبات دیگری است و برعکس. نمونه‌هایی نظیر «زن/ مرد»، «متاهل و مجرد» و ... در این دسته مطرح می‌شوند (ن.ک: پالمر، ۱۳۶۶: ۱۴۰). این نوع تقابل بیشترین بسامد را در اشعار بررسی شده داشت. نمونه‌هایی نظیر: «غوغا / سکوت»، «اندوه / خنده»، «آفتابی / ابری».

انگار / غوغای چشم‌های من و تو / سکوت را / در آن کتابخانه رعایت نکرده‌بود

(امین پور، ۱۳۹۸: ۹)



نامه‌رسان / اندوهم را بتکان و ببر! / خرماهای امسال اشک بودند / خنده‌ام را بچین و ببر

(قزوه، ۱۳۹۳: ب: ۸۲)

فلات آفتابی، در این هوای ابری بهشت عاشقانی، در این جهان فانی

(کاکایی، ۱۳۹۶: ۷)

نمونه‌های دیگر: خاموش / روشن (امین‌پور، ۱۳۹۸: ۱۲)، خنده / گریه (قزوه، ۱۳۹۱: ۱۸)، لفظ / معنی (همان: ۲۳)، عرش / فرش (همان: ۱۷)، یقین / گمان (کاکایی، ۱۳۹۳: ۲۰)، گفتن / سکوت (همان: ۲۲)، دوستان / دشمن (کاکایی، ۱۳۹۶: ۸).

۲-۲-۳. تقابل دوسویه

این نوع تقابل را می‌توان میان واژه‌هایی یافت که رابطه دوسویه با یکدیگر دارند به این ترتیب که اگر A چیزی را به B می‌فروشد، پس حتماً B آن را از A می‌خرد. بنابراین جفت‌واژه‌هایی که میان آن‌ها رابطه معکوس دیده می‌شود، مانند «خرید/ فروش»، «شوهر/ زن»، «خریدن / فروختن» و غیره، در این دسته جای می‌گیرند (ن.ک: پالمر، ۱۳۶۶: ۱۴۱).

الهی ما نیازیم و تو نازی غم ما را تو تنها چاره‌سازی

(قزوه، ۱۳۹۳ الف: ۱۱)

جز تو هیچ میزبان مهربان نان و گل به میهمان نمی‌دهد

(امین‌پور، ۱۳۹۸: ۳۱۱)

ای سکوت مبهم ای، لکنت همیشگی ای سؤال ته‌نشین، در جواب‌های من

(کاکایی، ۱۳۸۸: ۳۸)

نمونه‌های دیگر: میزبان / میهمان (امین‌پور، ۱۳۹۸: ۲۹۰)، سوال / جواب (همان: ۱۷۲)، کلید / قفل (همان: ۳۴۹)، بخشایش / گناه (قزوه، ۱۳۹۳ الف: ۹)، بگیر / بده (همان)، پرسیدن / جواب (کاکایی، ۱۳۹۳: ۶۷)، واگردن / بستن (همان: ۷۲)، التماس / اجابت (کاکایی، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

۲-۲-۴. تقابل جهتی

برخی واژگان با توجه به جهت خاصی بیان می‌شوند و مفهوم هریک از این جفت‌ها زمانی فهمیده می‌شود که مفهوم واژه مقابل تصور شود. نمونه بارز این تقابل «رفت / آمد» است. در چنین تقابلی «آمد» نسبت به «رفت» مستلزم حرکت به سوی یا از سوی گوینده است و درک مفهوم «آمدن» مستلزم درک مفهوم «رفتن» است (ن.ک: صفوی، ۱۳۹۷: ۱۱۹). نمونه‌هایی مانند: «برخاست / نشست» و «نشیند / برآید» نیز با توجه به مسیر حرکت در تقابل جهتی با یکدیگر قرار دارند:

برخاست صدا از در و دیوار، ولی ما با این همه فریاد فرو خورده، نشستیم



(امین پور، ۱۳۹۸: ۳۰۳)

مگر زبان آتش، نشیند از دعایی مگر دعای خیری برآید از دهانی

(کاکایی، ۱۳۹۶: ۸)

نمونه‌های دیگر: آسمان / زمین (امین پور، ۱۳۹۸: ۴۹)، رفتن / برگشتن (همان: ۱۰۲)، رفتن / برگشتن (قزوه، ۱۳۹۸: ۲۹)، رفت / برگشت (قزوه، ۱۳۹۱: ۱۹)، ماندن / رفتن (قزوه، ۱۳۹۳: ۷۵)، رفتن / برگشتن (قزوه، ۱۳۹۳: ۱۷۲)، بنشین / برخیز (کاکایی، ۱۳۶۹: ۴۸).

۲-۲-۵. تقابل خطّی

یکی دیگر از انواع تقابل، «تقابل خطّی» است. تقابل خطّی زمانی اتفاق می‌افتد که یک واژه با مجموعه‌ای از جنس خودش در تقابل باشد، نه اینکه یک جفت تنها با هم در تقابل باشند. نکته مهم اینجا این است که ما با رشته‌ای از واژه‌ها روبرو هستیم که به یک دسته یا گروه واحد تعلق دارند و اثبات یکی، نفی عناصر دیگر گروه است. به عنوان مثال بین رشته‌هایی مانند «زرد، سبز، سرخ، سفید» رابطه تقابل خطّی برقرار است.

گم کرده‌ام در خنده‌هایت گریه‌هایم را در چشم‌ها، چشم‌هایت دست و پایم را

(کاکایی، ۱۳۸۸: ۲۳)

یک سوی کاخ زرددلان سبز می‌شود یک سوی چهره‌ها همه سرخ از خجالت است

(قزوه، ۱۳۹۸: ۲۰)

می‌دانم / تو یازده ستاره و خورشید و ماه / در خواب دیده‌ای

(امین پور، ۱۳۹۸: ۱۰)

نمونه‌های دیگر: کودک / مادر / پدر (امین پور، ۱۳۹۸: ۱۵)، بنفشه / حسن یوسف / شمعدانی (همان: ۱۱۹)، صبح / ظهر، شام (قزوه، ۱۳۹۳: ۲۴)، شش / هفت / هشت / ده (همان: ۹۲)، گاو / گنجشک / سوسمار (قزوه، ۱۳۹۳: ۱۸۴)، قرمز، سبز، سفید (همان: ۲۲۴).

۲-۲-۶. تقابل متقاطع

در تقابل متقاطع که ارتباط نزدیکی با تقابل خطّی دارد ما با مجموعه‌ای از واژه‌ها روبرو هستیم که دو به دو می‌توانند رابطه تقابل متقاطع داشته باشند ولی هر یک در تقابل خطّی با سایر واژه‌های گروه قرار دارند؛ مانند گروه واژه‌های «دخترخاله، دختردایی، پسرخاله، پسرعمو». در این رشته‌واژه هریک از واژه‌ها در تقابل خطّی با سه واژه دیگر قرار دارند و جفت‌واژه‌هایی نظیر «دخترخاله / پسرخاله» در تقابل متقاطع با هم قرار می‌گیرند (ن.ک: صفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۰).

آغاز فروردین چشمت، مشهد من شیراز من اردیبهشت دامن تو

(امین پور، ۱۳۹۸: ۳۵)



اگر چه عاشقم اما تو ای آینه باور کن / نمی‌فهمم دلیل وعده امروز و فردایت
(کاکایی، ۱۳۸۸: ۱۴)

نمونه‌های دیگر: فردا / امروز (امین‌پور، ۱۳۹۸: ۴۰)، زرد / آبی (همان: ۴۸)، دهان / گوش (همان: ۵۷)، سر / دل (همان: ۹۷)، کاظمین / طوس (قزوه، ۱۳۹۱: ۲۲)

۲-۷. تقابل همسنگ

برخی از معنانشناسان معتقدند می‌توان گروه‌های متباین را به صورت ردیفی یا مدور انسجام بخشید. منظور از تنظیم ردیفی آن است که در دو طرف یک گروه واژه متباین، دو عضو قرار می‌گیرند که در نهایت تناقض هستند و اعضای دیگر به ترتیب در میان این دو عضو قرار می‌گیرند. اعضای با نهایت تناقض در این گروه‌ها در «تقابل همسنگ» با یکدیگر قرار دارند. (ن.ک: صفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۲) نظیر جفت‌واژه «آغاز / انجام» در ابیات زیر:

برای رسیدن، چه راهی بریدم / در آغاز رفتن، به پایان رسیدم
(امین‌پور، ۱۳۹۸: ۲۰۰)

به آغازی که پایانی ندارد / که صبحش تا ابد شامی ندارد
(قزوه، ۱۳۹۳ الف: ۴۰)

نمونه‌های دیگر: آغاز / آخر (امین‌پور، ۱۳۹۸: ۲۸۰)، بهار / خزان (همان: ۴۸۸)، سرانجام / آغاز (قزوه، ۱۳۹۸: ۴۱)، اولین / آخرین (قزوه، ۱۳۹۱: ۲۴)، پایان / آغاز (کاکایی، ۱۳۸۸: ۶۸).

۲-۸. تقابل واژگانی

یکی از شاخه‌های اصلی تقابل‌های دوگانه که با کمک تکواژهای منفی‌ساز چون «بی» و «نا» شکل می‌گیرد، «تقابل واژگانی» نام دارد؛ مانند: «آگاه / ناآگاه»، «باشعور / بی‌شعور» و «اصولی / غیراصولی» (ن.ک: صفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۳).

پر از تقویم‌های کهنه کردم خانه خود را / به امیدي که اینک ناامیدم از تماشایت
(کاکایی، ۱۳۸۸: ۱۳)

زین داغ، سنگ سوخت، ولی من نسوخته‌م / چشمان من شراره غیرت مگر نداشت؟
(قزوه، ۱۳۹۸: ۲۱)

از هر نظر تو عین پسند دل منی / هم دیده، هم ندیده، پسندیده‌ام تو را
(امین‌پور، ۱۳۹۸: ۴۴)

نمونه‌های دیگر: گاه / ناگاه (امین‌پور، ۱۳۹۸: ۸)، آشنا / ناشناس (همان: ۱۹)، هست / نیست (همان: ۱۹)، رسیدن / نرسیدن (قزوه، ۱۳۹۱: ۲۶)، با تو / بی تو (کاکایی، ۱۳۸۸: ۱۷۷).



۲-۲-۹. تقابل ضمنی

تقابل ضمنی یکی دیگر از انواع تقابل‌ها به شمار می‌رود که در آن، تقابل میان دو واژه از طریق معنای ضمنی آنها ایجاد می‌شود نه معنای اصلی، در این نوع تقابل، تصویر ذهنی شخص از جفت‌واژه‌هایی مانند «فیل و فنجان» موجب ایجاد تناقض میان دو واژه می‌گردد. در این مثال ذهن مفهوم «بزرگی» را تصور می‌کند و برای نشان دادن و تبیین این مفهوم از دو واژه «فیل و فنجان» کمک می‌گیرد (ن.ک: صفوی، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

این نوع تقابل در مرتبه دوم تقابل‌های موجود در اشعار بررسی شده قرار دارد.
چشم در کار صراحت بود تا طوفان رسید دست سرگرم رفاقت بود تا خنجر رسید

(کاکایی، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

گنج این ویرانه بودم، خار و خس دزدیده‌ام شور عنقا داشتم، بال مگس دزدیده‌ام

(قزوه، ۱۳۹۱: ۱۱)

درد اگر مرد است با دل راست رویارو شود پس چرا از پشت خنجر زد و نامرد شد؟

(امین پور، ۱۳۹۸: ۴۹)

نمونه‌های دیگر: شب/ سحر (امین پور، ۱۳۹۸: ۱۴۵)، ذره / آفتاب (همان: ۵۷)، دریا / قطره (همان)، سنگ / انسان (همان: ۱۰۱)، آیین / زنگار (قزوه، ۱۳۹۳: ۱۴)، آیین / نیرنگ (همان: ۲۴)، آیین / سنگ (کاکایی، ۱۳۶۹: ۸)، علف هرز / صنوبر (کاکایی، ۱۳۸۸: ۴۶).

۲-۳. تقابل دوگانه و صنایع ادبی

تقابل‌ها می‌تواند در ساختار صورخیال شاعر نیز تأثیرگذار باشد و در آفرینش بعضی از صنایع ادبی مؤثر واقع شود. از طرف دیگر «بررسی عناصر سازنده صورخیال در متن ادبی خاص و طرز برخورد شاعر یا نویسنده با آنها، ساختارهایی بنیادین به دست می‌دهد که از یکسو تفسیر و تأویل معنای متن را میسر می‌کند و از سوی دیگر ویژگی‌های متمایز سبک اثر را نشان می‌دهد» (حیاتی، ۱۳۸۸: ۱۲).

در ادامه نمونه‌هایی از صنایع ادبی که در ساخت آن‌ها از تقابل کمک گرفته شده‌است، ذکر می‌شود:

۲-۳-۱. پارادوکس

پایان من و دل، آغاز شکفتگی است می‌میرم و مرگم در قید حیات است

(قزوه، ۱۳۹۱: ۶۵)

در این بیت، میان «مرگ / حیات» و «پایان / آغاز» تقابل وجود دارد که موجب شکل‌گیری آرایه پارادوکس شده‌است.

۲-۳-۲. اغراق



ای کاش در آن صبح ظفر می دیدی

خورشید به مشت عاشقان کوچک بود

(قزوه، ۱۳۹۸: ۳۶)

«مشت عاشقان» در تقابل با «خورشید» قرار داده شده و البته از آنجا که شاعر معتقد است مشت عاشقان در طلوع صبح پیروزی از خورشید هم فروزان‌تر و آتشین‌تر است، آرایه «اغراق» شکل گرفته است.

۲-۳-۳. تلمیح

زمین هر روز فرعونی دگر در آستین دارددعاکن هر سحر آبستن موسی شود نیلش

(قزوه، ۱۳۹۱: ۴۸)

در این بیت تلمیح بیت حاصل تقابل «فرعون / موسی» است.

۲-۳-۴. کنایه

گویا زبان شعر مرا دیگر / این صادقان ساده نمی‌دانند / و برگ‌های گاهی شعرم را / شعری که در ستایش گندم نیست / یک جو نمی‌خرند.

(امین‌پور، ۱۳۹۸: ۳۲۳)

«به جویی نخریدن» کنایه از «بی ارزش بودن» که در تقابل «گندم» آمده است.

۲-۳-۵. موازنه

در بیت زیر تقابل «خنده / گریه» و «بلندی / عمق»، «ریشه / شاخه» نقش مؤثری در ساخت موازنه دارد:

شاخه بلند خنده‌های تان چه شد؟ / ریشه عمیق گریه‌های تان چه شد؟

(کاکایی، ۱۳۹۳: ۱۲)

۲-۳-۶. ایهام تناسب

در بیت زیر واژه «نو» دارای ایهام است که یکی از معانی آن با واژه «سنت» در تقابل است:

اگر سنت اوست نوآوری / نگاهی هم از نو به سنت کنیم

(امین‌پور، ۱۳۹۸: ۶۵)

۲-۳-۷. عکس

گرچه یاران همه از شادی ما غمگین‌اند

باز شادیم که یاران زغم ما شاداند

(همان: ۳۰۷)

۲-۳-۸. استعاره

در قفس، دریا نمی‌گنجد

زانکه کار موج پرواز است



(همان: ۴۷۴)

مفاهیم استعاری «اسارت» و «مردم» به کمک تقابل «قفس» و «دریا» شکل گرفته‌اند.

۲-۳-۹. تشخیص

تو ای بهشتم ایران، چو آفتاب و باران

به خنده می‌نشینی، به گریه می‌نشانی

(کاکایی، ۱۳۹۵: ۱۴۶)

«ایران» مخاطب شاعر قرار گرفته است و دو عمل متقابل انسانی به او نسبت داده شده است.

۲-۳-۱۰. تشبیه

رو به روی آفتاب روی تو

ذره‌ام، گردم، غبارم، هیچ هیچ

(امین‌پور، ۱۳۹۸: ۲۱۵)

در مصراع دوم این بیت شاعر از چند تشبیه استفاده کرده که در تقابل با تشبیه مصراع اول قرار دارند.

۲-۳-۱۱. جناس

به چشمم نیش و نوش این جهان فرقی ندارد هیچ نه عسرت می زند نیشم، نه عسرت می دهد نوشم

(قزوه، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

در این بیت آرایه جناس با تقابل «نیش / نوش» و «عسرت / عسرت» شکل گرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

اساس تفکر بشری بر تقابل‌های دوگانه استوار است و از آنجا که ادبیات منعکس‌کننده تفکرات و اندیشه‌های بشری است، بررسی تقابل‌ها که در نقد ساختارگرایی بر آن تأکید شده، ما را با ساختار ذهنی، عقاید و نگرش شاعران و نویسندگان در دوره‌های مختلف آشنا می‌کند.

بررسی اشعار دفاع مقدس با تکیه بر اشعار شاعران هدف نشان داد که انواع تقابل‌های دوگانه در اشعار این دوره دیده می‌شود؛ البته کاربرد آن‌ها از نظر بسامد متفاوت است.

از مجموع ۱۳۴۰ تقابل یافت‌شده، ۶۴۵ مورد مربوط به تقابل مکمل و ۲۹۴ مورد مربوط به تقابل ضمنی است که به ترتیب بالاترین بسامد را داشتند و بقیه انواع تقابل‌ها در مرتبه‌های بعدی قرار دارند.

نتیجه دیگری که در بررسی این اشعار به دست آمد این است که کاربرد تقابل‌ها در شعر شاعران این دوره ریشه در بیان مفاهیم مربوط به جنگ و دفاع مقدس و مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مدنظر شاعر دارد؛ به این صورت که شاعر دو عنصر را که از جنبه‌های معنایی در تضاد با یکدیگر قرار دارند، در برابر هم قرار می‌دهد تا مخاطب



را به مضمون مورد نظر خود رهنمون سازد. به عبارتی دیگر کاربرد تقابل‌ها به فرایند معناسازی و برجسته‌سازی مفاهیم مدنظر شاعر کمک شایانی کرده و توانسته دغدغه‌های ذهنی شاعران را از طریق برجسته‌سازی منتقل کند. نکته قابل توجه دیگر در کاربرد تقابل‌ها این است که در ساختار صورخیال اشعار نیز تأثیر بسزایی دارند و پایه بعضی صنایع ادبی مانند تلمیح، تشبیه، جناس، استعاره و... قرار گرفته‌اند.





منابع

- آسمان، محمدجواد (۱۳۹۱). *صبحتان بخیر مردم* (غزل‌های علیرضا قزوه)، تهران: نشر کتاب، چاپ اول.
- امین‌پور، قیصر (۱۳۹۸). *مجموعه کامل اشعار*، تهران: مروارید، چاپ هفدهم.
- برتنس، هانس (۱۳۸۷). *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی، چاپ دوم.
- بیگزاده، خلیل؛ شاه‌رخی، فرنگیس (۱۳۹۷). «*تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی شاعران دفاع مقدس*». *نشریه ادبیات پایداری*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال دهم، شماره ۱۸، صص ۵۳-۷۲.
- پارسی نژاد، کامران (۱۳۸۲). «*ساختارگرایی و ساخت‌شکنی*»، *مجله ادبیات داستانی*، شماره ۶۹، صص ۳۵-۳۸.
- پالمر، فرانک رابرت (۱۳۶۶). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران: مرکز، چاپ پنجم.
- چهری، طاهره و همکاران (۱۳۹۲). «*تحلیل تقابل‌ها و تضادهای واژگانی در شعرسنایی*»، *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهرگویا)*، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱۴۱-۱۵۸.
- حیاتی، زهرا (۱۳۸۸). «*بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا*»، *فصلنامه نقد ادبی*، سال دوم، شماره ۶، صص ۷-۲۴.
- روحانی، مسعود؛ عنایتی قادیکلایی، محمد (۱۳۹۵). «*تقابل‌های دوگانه در غزلیات عطار نیشابوری*»، *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، سال ۲۴، شماره ۸۱، صص ۲۰۱-۲۲۱.
- زارعی، حشمت‌الله (۱۳۹۲). *بررسی انعکاس مسایل اجتماعی در شعر سه تن از شاعران دفاع مقدس* (علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی و قیصر امین‌پور)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهر کرد.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، تهران: پالیزان، چاپ اول.
- صفوی، کورش (۱۳۶۹). «*نگاهی به تقابل معنایی*»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه کرمان، سال اول، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۱۵.
- صفوی، کورش (۱۳۹۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر، چاپ ششم.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۳ الف). *این همه یوسف*، تهران: سوره مهر، چاپ چهارم.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۳ ب). *شبلی و آتش*، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۳ پ). *قطار اندیمشک*، تهران: سوره مهر، چاپ چهارم.
- قزوه، علیرضا (۱۳۹۸). *از نخلستان تا خیابان*، تهران: سوره مهر، چاپ هفدهم.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۶۹). *آوازه‌های واپسین*، تهران: نشر همراه، چاپ اول.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۶). *حق با صدای توست*، تهران: تکا، چاپ اول.



کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۸). *فرصت نایاب*، تهران: انجمن شاعران ایران، چاپ دوم.

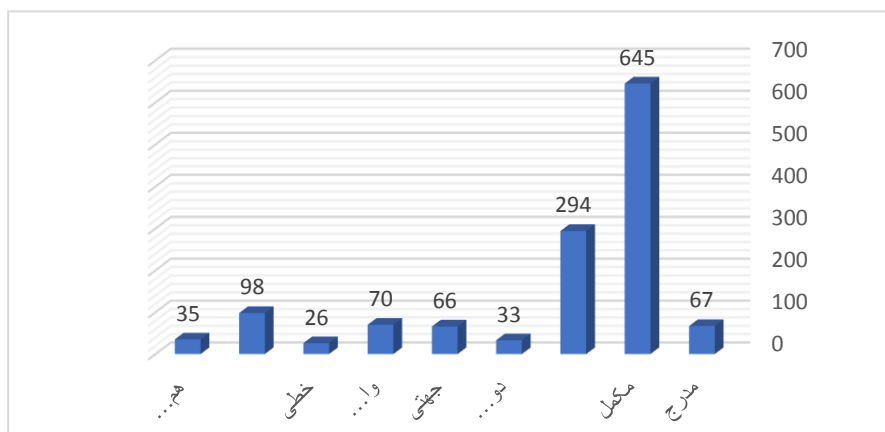
کاکایی، عبدالجبار (۱۳۹۳). *باران های بی حاصل*، تهران: نیماژ

کاکایی، عبدالجبار (۱۳۹۶). *حبس سکوت*، تهران: فصل پنجم، چاپ دوم.

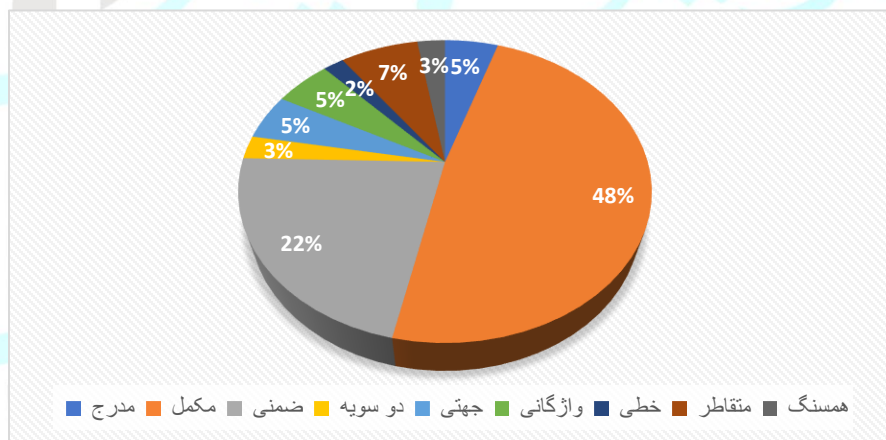




پیوست



انواع تقابل های دو گانه در اشعار مورد بررسی



بسامد انواع تقابل های دو گانه در اشعار مورد بررسی



Dual contrasts in sacred defense poems

Ziba Esmaeili¹, Massoumeh Khojaste²

Abstract

Dual contrasts are among the linguistic factors that, by influencing the syntactic and intellectual level of a work, make its structure more artistic and in semantic and structural studies are the fundamental elements of achieving the structure, world of thought and thought of literary works. In this research, which has been conducted by library method and with the aim of better understanding the poetic world of holy defense poets, it has been tried to investigate the poems of this period with a descriptive-analytical approach based on double contrasts. were extracted in the poetry of three prominent poets of this period (Qaisarminpour, Abdoljbarkeai and Alireza Quzouh) and classified according to different types of confrontations. Data analysis showed that different types of contrasts (graded, complementary, ambivalent, directional, etc.) are found in the poetry of this period and complementary and implicit confrontations have the highest frequency. Another result in the study of these poems is that at the content level, concepts and thoughts are at odds with each other, and it can be said that the application of confrontations to the process of meaning and highlighting the concepts related to war, sacred defense and political, social, cultural issues considered by poets has helped and has been able to convey the mental concerns of poets through highlighting. Another noteworthy point in the application of contrasts is that they have a great effect on the imaginary structure of poems and are the basis of some literary industries .such as allusion, simile, pun, metaphor, etc

Key words : Structuralism, Double Confrontation, Sacred Defense Poetr

1 . Shahid Rajae Teacher Training University Faculty of Humanities. Tehran, Iran.//Email: smaeili.ziba@sru.ac.ir

2 .Master of Shahid Rajae Teacher Training University. Tehran, Iran.//Email: khojaste13960102@gmail.com
(corresponding author)